یادداشت

درباره تصمیم دولت در حذف شرکت‌های پیمانکاری از بازار کار:

پایان یک ابزار، تداوم یک منطق

ابوالفضل رجبی

حذف شرکت‌های پیمانکاری، اگرچه در نگاه نخست می‌تواند به‌مثابه پاسخی دیرهنگام به یکی از مطالبات مهم نیروی کار تلقی شود، اما اگر کمی از سطح ظاهر عبور کنیم، با یک پرسش اساسی روبه‌رو می‌شویم: آیا می‌توان بدون دست‌زدن به بنیان‌های اقتصاد سیاسی، یکی از مهم‌ترین سازوکارهای تنظیم بازار کار در سه دهه اخیر را با یک سیاست اعلامی کنار گذاشت؟

واقعیت این است که پیدایش شرکت‌های ثالث و پیمانکاری در ایران نه یک انحراف موقت، بلکه بخشی از پاسخ دولت‌ها به تحولات گسترده‌تر در اقتصاد جهانی و چرخش به سمت الگوهای نئولیبرالی بوده است. از اواسط دهه ۷۰، هم‌زمان با خصوصی‌سازی، مقررات‌زدایی و تلاش برای کاهش هزینه‌های تولید، شیوه به‌کارگیری نیروی کار نیز دگرگون شد. این دگرگونی صرفا تغییر در فرم قراردادها نبود، بلکه به معنای بازتعریف رابطه کار، امنیت شغلی و دولت بود؛ جایی که امنیت شغلی به‌تدریج از یک حق به یک امتیاز و سپس به کالایی قابل مبادله تبدیل شد.

در این چارچوب، شرکت‌های پیمانکاری به‌مثابه یک ابزار عمل کردند؛ ابزاری برای تحقق «انعطاف‌پذیری بازار کار» که در ادبیات نئولیبرالی توصیه می‌شود. اما همین ابزار، در عمل به گسترش نوعی از کار انجامید که امروز آن را با عنوان «کار ناپایدار» می‌شناسیم؛ وضعیتی که در آن، قراردادهای موقت، فقدان حمایت‌های اجتماعی، نااطمینانی درآمدی و کاهش قدرت چانه‌زنی به تجربه غالب نیروی کار تبدیل شده است.

اگر به تجربه زیسته نیروی کار در این سال‌ها نگاه کنیم، تصویر روشن‌تر می‌شود. مجموعه‌ای از پژوهش‌های داخلی در دو دهه اخیر -از تحلیل‌های اقتصاد سیاسی تا مطالعات جامعه‌شناسی کار- به‌طور مکرر به این روند اشاره کرده‌اند. از کارهای محمد مالجو درباره جایابی نئولیبرالیسم در اقتصاد سیاسی ایران تا پژوهش‌های نوح منوری و آرمان ذاکری در حوزه روابط کار و همچنین مطالعاتی مانند شفیعی درباره اقتصاد پلتفرمی یا خیرالهی درباره کاهش توان چانه‌زنی کارگران، همگی بر یک نکته مشترک تأکید دارند: تغییر در شیوه تنظیم بازار کار، به تضعیف موقعیت نیروی کار و گسترش ناامنی انجامیده است.[1]

در امتداد همین مسیر، برخی مطالعات جدیدتر -از جمله پژوهش‌هایی که بر تجربه زیسته نیروی کار در بخش‌هایی مانند فروشگاه‌های زنجیره‌ای تمرکز کرده‌اند- نشان می‌دهند ناامنی شغلی دیگر یک وضعیت استثنائی نیست، بلکه به یک وضعیت فراگیر تبدیل شده است؛ وضعیتی که در آن، نیروی کار با نوعی «ناامنی همه‌جانبه» مواجه است: ناامنی در استخدام، در درآمد، در آینده شغلی و حتی در امکان اعتراض و نمایندگی. در چنین شرایطی، آنچه شکل گرفته نه صرفا بازار کار، بلکه نوعی زیست ناپایدار است.

با این ملاحظه، باید پرسید حذف شرکت‌های پیمانکاری دقیقا قرار است کدام بخش از این ساختار را تغییر دهد؟ اگر این شرکت‌ها محصول یک منطق اقتصادی و سیاستی بوده‌اند، آیا می‌توان بدون تغییر آن منطق، پیامدهایش را حذف کرد؟

مشکل دقیقا از همین‌جا آغاز می‌شود. سیاست اعلامی برای حذف پیمانکاری، در غیاب یک سند راهبردی روشن، بیش از آنکه یک اصلاح ساختاری باشد، شبیه یک مداخله شتاب‌زده است. در این سیاست، نه مسیر گذار مشخص است، نه جایگزین نهادی تعریف شده و نه نسبت آن با سایر اجزای سیاست اقتصادی روشن است. حذف یک سازوکار جاافتاده، بدون طراحی مراحل مشخص، می‌تواند به‌جای کاهش ناامنی، به آشفتگی بیشتر در بازار کار منجر شود.

باید توجه داشت که بازار کار، یک سیستم پیچیده است که به‌سادگی با دستور تغییر نمی‌کند. تغییر در شیوه به‌کارگیری نیروی کار، مستلزم تغییر در کل زنجیره اقتصاد سیاسی است: از سیاست‌های مالی و پولی تا نظام رفاه و تأمین اجتماعی. در غیاب چنین تغییراتی، حذف پیمانکاری ممکن است صرفا به تغییر شکل همان روابط پیشین بینجامد؛ مثلا گسترش اشکال غیررسمی‌تر و حتی بی‌ثبات‌تر اشتغال.

این نکته در شرایط فعلی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. اقتصاد ایران با ترکیبی از بیکاری گسترده، فشارهای معیشتی و پیامدهای بحران‌های انباشته مواجه است. در چنین وضعیتی، هرگونه مداخله در بازار کار باید با احتیاط و بر اساس یک نقشه راه دقیق انجام شود. در غیر این صورت، حتی سیاست‌هایی که با نیت حمایت از نیروی کار طراحی شده‌اند، می‌توانند به نتایجی معکوس منجر شوند.

از سوی دیگر، تجربه سال‌های اخیر نشان داده آنچه تحت عنوان «جراحی اقتصادی» پیش رفته، در بسیاری موارد به تعمیق مشکلات اجتماعی انجامیده است. بخشی از این بحران‌ها دقیقا به دلیل همان سیاست‌هایی است که به نام انعطاف‌پذیری، امنیت شغلی را تضعیف کرده و جمعیت بزرگی از «ناپایدارکاران» را شکل داده است. بنابراین اگر قرار است مسیری متفاوت طی شود، این مسیر نمی‌تواند صرفا به حذف یک ابزار محدود شود، بلکه باید شامل بازنگری در کل جهت‌گیری اقتصاد سیاسی باشد. به بیان روشن‌تر، پایان‌دادن به کار ناپایدار، به تعبیر بوردیو، نیازمند تقویت «دست چپ دولت» است: یعنی سیاست‌های رفاهی، حمایت‌های اجتماعی، و نهادهای تنظیم‌گر بازار کار. بدون این مؤلفه‌ها، هر تغییری در سطح سیاست‌های استخدامی، بر زمینی سست بنا خواهد شد.

در نهایت، باید گفت مسئله پیمانکاری بیش از آنکه یک مسئله اداری باشد، یک مسئله ساختاری است. اکنون اگر قرار است تغییری صورت گیرد، این تغییر باید در امتداد همان فهم انباشته از مسئله باشد، نه در گسست از آن. حذف پیمانکاری، اگر بدون درک این زمینه‌ها و بدون ارائه یک برنامه جامع صورت گیرد، نه‌تنها به بهبود وضعیت نیروی کار منجر نخواهد شد، بلکه ممکن است بر ناامنی‌ای که طی سال‌ها شکل گرفته، لایه‌های تازه‌ای نیز بیفزاید. مسئله بازار کار در ایران، مسئله‌ای نیست که بتوان آن را با یک تصمیم فوری حل کرد، بلکه نیازمند بازاندیشی در مسیر طی‌شده و بازتعریف نقش دولت در نسبت با اقتصاد و نیروی کار است.

۱. برای نمونه بنگرید به: شفیعی (۱۳۹۷) «کار ناپایدار، انعطاف‌پذیری و پویش‌های کار در ایران (مطالعه موردی رانندگان اسنپ)»؛ خیرالهی (۱۳۹۶) «تحول توان چانه‌زنی کارگران در ایران پس از انقلاب»؛ بختیاریور (۱۴۰۱) «اقتصاد دیجیتال و دگرگونی ساختار قشربندی اجتماعی در ایران»؛ ولی‌نژاد و کاظمی (۱۴۰۰) «تحلیل جامعه‌شناختی ناآرامی‌های آبان ۹۸»؛ و نیز آثار و مداخلات نظری پژوهشگرانی چون محمد مالجو، نوح منوری و آرمان ذاکری در حوزه اقتصاد سیاسی و روابط کار در ایران. همچنین: سراج‌زاده و رجبی (۱۴۰۳) «تجربه زیسته فروشندگان فروشگاه‌های زنجیره‌ای از کار ناپایدار (مورد مطالعه: شهر تهران)».

آیا تداوم محاصره دریایی تولید نفت ایران را به‌طور کامل متوقف می‌کند؟

ادعای پوچ علیه نفت

نوید خیرخواه: انسداد تنگه هرمز و محاصره دریایی ایران، تولید نفت کشورهای حاشیه خلیج فارس را در ماه آوریل حدود ۱۰.۵ میلیون بشکه کاهش داده است که معادل افتی حدود ۴۲درصدی محسوب می‌شود. در این میان، کاهش تولید نفت ایران در ماه مارس حدود ۱۳۰ هزار بشکه و در ماه آوریل ۲۳۰ هزار بشکه در روز برآورد شده است که کمتر از ۱۰ درصد تولید نفت ایران است. این گزارش اداره اطلاعات انرژی آمریکا (EIA) است؛ گزارشی که برخلاف ادعای دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا درباره تأثیر محاصره دریایی بر صنعت نفت ایران است. او مدعی شده بود که تمام چاه‌های نفت ایران، آن‌هم در بازه زمانی کوتاه، منفجر خواهد شد. محمد حسینی، کارشناس صنعت نفت به «شرق» می‌گوید که ادعای از بین بردن تمام چاه‌های نفت ایران از اساس نادرست است و از آنجا که چیزی حدود دو میلیون بشکه نفت در بازار داخلی کشور مصرف می‌شود، امکان انسداد تمام چاه‌های نفت کشور وجود ندارد و ایران می‌تواند بخش قابل توجهی از ظرفیت تولید خود را حفظ کند. هرچند به گفته او بازگرداندن چاه‌های نفت از رده خارج‌شده هم چندان آسان نیست و هزینه‌بردار است؛ چراکه حدود ۷۰ درصد نفت ایران از میدان‌های قدیمی جنوب غرب کشور استخراج می‌شود و بازیابی میادین قدیمی دشوارتر است اما این توان فنی در کشور وجود دارد.

بار تولید نفت ایران بر دوش چاه‌های قدیمی

بخش عمده تولید نفت کشور بر دوش میدان‌هایی قرار دارد که دهه‌هاست در حال بهره‌برداری هستند؛ میدان‌هایی مانند اهواز، مارون، گچساران، آغاجاری و مسجدسلیمان که بعضی از آنها از میانه قرن گذشته فعال بوده‌اند. این مخازن امروز دیگر میدان‌های جوان و پرفشار دهه‌های نخست تولید نیستند؛ بسیاری از آنها وارد نیمه دوم عمر خود شده‌اند؛ مرحله‌ای که در آن افت فشار طبیعی مخزن، افزایش تولید آب، رسوب‌گذاری در چاه‌ها و فرسودگی تجهیزات به بخشی از واقعیت روزمره تولید تبدیل می‌شود. برآوردها نشان می‌دهد بیش از ۷۰ درصد نفت ایران از همین میدان‌های قدیمی جنوب غرب کشور استخراج می‌شود که در صورت انسداد، بازگرداندن آن به شرایط عادی، ساده و کم‌هزینه نیست.

چیزی فراتر از یک شیر بسته

در نگاه اول ممکن است تصور شود بستن چاه‌های نفت اتفاقی ساده است؛ شیر سرچاه بسته می‌شود و جریان نفت متوقف می‌شود تا هر زمان که لازم شد دوباره باز شود. اما در واقعیت صنعت نفت، چاه نفت چیزی شبیه یک شیر آب نیست که هر زمان بخواهید بی‌دردسر باز و بسته شود. چاه و مخزن زیرزمینی مجموعه‌ای پویا از فشار، سیالات و سنگ هستند و رفتارشان به جریان مداوم تولید وابسته است. در اعماق چند هزار متری زمین، نفت درون سنگ‌هایی قرار دارد که منافذ بسیار ریز دارند. این سنگ‌ها مانند اسفنجی سخت عمل می‌کنند که نفت، گاز و آب درون آن محبوس شده‌اند. زمانی که یک چاه حفاری می‌شود، در واقع راهی مصنوعی برای خروج این سیالات از دل مخزن ایجاد می‌شود. تولید نفت نتیجه تعادل ظریفی میان فشار مخزن، ویژگی‌های سنگ و مسیر چاه است؛ تعادلی که در طول سال‌ها تولید شکل گرفته است. وقتی تولید متوقف می‌شود، نخستین تغییر در درون مخزن رخ می‌دهد. فشار در لایه‌های نفتی شروع به بازتوزیع می‌کند و حرکت آب و گاز درون مخزن می‌تواند تغییر کند. در بسیاری از مخازن قدیمی ایران، آب زیر مخزن یا گاز بالای آن به تدریج به سمت مسیر چاه حرکت می‌کند. در حالت عادی جریان مداوم نفت تا حدی مانع پیشروی سریع این سیالات می‌شود، اما با توقف تولید این تعادل تغییر می‌کند. نتیجه این جابه‌جایی، آن است که وقتی چاه دوباره راه‌اندازی می‌شود، سهم آب یا گاز در سیالی که بالا می‌آید بیشتر از قبل است و سهم نفت کاهش پیدا می‌کند. در برخی موارد حتی ممکن است چاهی که پیش‌تر عمدتا نفت تولید می‌کرد، پس از یک دوره توقف طولانی به چاهی با تولید آب بالا تبدیل شود. چنین اتفاقی در میدان‌های قدیمی دنیا پدیده‌ای شناخته‌شده است و گاهی بازگرداندن شرایط قبلی بسیار دشوار یا حتی غیرممکن می‌شود. در صنعت نفت مفهومی به نام مدیریت مخزن وجود دارد که دقیقا برای جلوگیری از چنین تغییراتی به کار می‌رود. مهندسان مخزن با بررسی فشار، ترکیب سیالات و رفتار تولیدی چاه‌ها تلاش می‌کنند تولید را به شکلی تنظیم کنند که مخزن کمترین آسیب را ببیند. توقف ناگهانی یا طولانی تولید می‌تواند این برنامه‌ریزی را به هم بزند و رفتار مخزن را از مسیر پیش‌بینی‌شده خارج کند.

رسوب‌هایی که جریان نفت را کُند می‌کنند

در کنار تغییرات درون مخزن، خود چاه نیز در برابر توقف تولید بی‌تأثیر نمی‌ماند. نفت بسیاری از میدان‌های ایران حاوی ترکیبات سنگینی مثل آسفالتین و پارافین است. این مواد در شرایط عادی همراه با جریان نفت حرکت می‌کنند، اما وقتی سرعت جریان کاهش پیدا کند یا متوقف شود، تمایل دارند از سیال جدا شوند و به صورت رسوب روی سطوح بنشینند. این رسوبات می‌توانند در دیواره لوله‌های تولیدی، درون تجهیزات سرچاهی یا حتی در منافذ سنگ مخزن تجمع پیدا کنند. با گذشت زمان، این لایه‌ها ضخیم‌تر می‌شوند و مسیر عبور سیال را تنگ‌تر می‌کنند. نتیجه آن است که وقتی چاه دوباره باز می‌شود، نفت به راحتی قبل بالا نمی‌آید و دبی تولید کاهش پیدا می‌کند. در چنین شرایطی برای بازگرداندن چاه به وضعیت عادی معمولا عملیات فنی لازم است. یکی از این روش‌ها، اسیدکاری است که در آن محلول‌های اسیدی برای حل‌کردن رسوبات یا بازکردن منافذ سنگ به درون چاه تزریق می‌شود. روش‌های دیگری مانند شست‌وشوی چاه با حلال‌های ویژه، تمیزکاری مکانیکی یا عملیات موسوم به وورک‌اور نیز به کار گرفته می‌شود. هزینه این عملیات بسته به شرایط چاه می‌تواند از حدود ۵۰۰ هزار دلار تا پنج میلیون دلار برای هر چاه متغیر باشد. البته رسوب تنها مشکل توقف تولید نیست؛ وقتی جریان سیال در چاه متوقف می‌شود، شرایط برای شکل‌گیری انواع رسوبات معدنی نیز فراهم می‌شود. موادی مانند کربنات کلسیم یا سولفات‌ها می‌توانند در مسیر لوله‌ها و تجهیزات ته‌نشین شوند. این رسوبات گاهی آن‌قدر سخت و فشرده هستند که تنها با عملیات مکانیکی سنگین قابل حذف هستند.

خوردگی؛ دشمن خاموش تجهیزات

توقف طولانی‌مدت مشکل دیگری هم ایجاد می‌کند: خوردگی. درون چاه‌های نفت معمولا ترکیبی از آب شور، گازهای اسیدی مانند دی‌اکسید کربن و گاهی سولفید هیدروژن وجود دارد. وقتی جریان تولید فعال است، این سیالات در حال حرکت هستند و بخشی از آنها همراه نفت از چاه خارج می‌شوند. اما با توقف جریان، این مواد در تماس طولانی‌مدت با تجهیزات باقی می‌مانند. چنین محیطی شرایطی مناسب برای خوردگی فلزات فراهم می‌کند. لوله‌های فولادی که در اعماق زمین نصب شده‌اند، ممکن است به تدریج دچار زنگ‌زدگی یا خوردگی موضعی شوند. در برخی موارد حتی سوراخ‌های ریز در جداره لوله‌ها ایجاد می‌شود که می‌تواند باعث نشت سیال به لایه‌های اطراف شود. اگر این آسیب‌ها جدی باشند، راه‌اندازی دوباره چاه بدون تعمیر ممکن نیست. گاهی لازم است بخشی از لوله‌های درون چاه تعویض شوند یا تجهیزات جدیدی نصب شود. در موارد شدیدتر حتی ممکن است مهندسان مجبور شوند شاخه‌ای جدید از چاه حفاری کنند تا به بخش سالم‌تری از مخزن دسترسی پیدا کنند.

نقش مصرف داخلی در فعال ماندن چاه‌ها

در کنار صادرات، مصرف داخلی نیز نقش مهمی در ادامه تولید ایفا می‌کند. ایران روزانه مقدار درخور توجهی نفت خام و فراورده‌های نفتی در داخل مصرف می‌کند. این مصرف در مجموع حدود ۱.۷ تا نزدیک دو میلیون بشکه در روز برآورد می‌شود. همین مصرف داخلی باعث می‌شود حتی در دوره‌هایی که صادرات نفت کاهش پیدا می‌کند، تولید به‌طور کامل متوقف نشود. پالایشگاه‌ها همچنان به خوراک نیاز دارند و بخشی از نفت تولیدی به‌طور مستقیم به مصرف داخلی می‌رسد. به این ترتیب بسیاری از چاه‌ها همچنان در مدار تولید باقی می‌مانند و از خاموش‌شدن کامل آنها جلوگیری می‌شود. در واقع برای صنعت نفت، حفظ حداقلی از تولید اهمیت زیادی دارد. حتی تولید با نرخ پایین‌تر می‌تواند به حفظ تعادل مخزن، جلوگیری از رسوب‌گذاری شدید و کاهش خطرات خوردگی کمک کند.

گاز؛ عامل پنهان حفظ فشار

یکی از چالش‌های بزرگ میدان‌های قدیمی، حفظ فشار مخزن است. وقتی نفت از مخزن برداشت می‌شود، بخشی از فشار طبیعی آن کاهش پیدا می‌کند. اگر این افت فشار جبران نشود، توانایی مخزن برای راندن نفت به سمت چاه‌ها کمتر می‌شود و تولید افت می‌کند. برای مقابله با این مشکل در بسیاری از میدان‌ها از روش تزریق گاز استفاده می‌شود. در این روش، گاز طبیعی یا گازهای همراه نفت پس از جداسازی دوباره به درون مخزن تزریق می‌شوند. این کار مانند پمپی طبیعی عمل می‌کند که فشار مخزن را تا حدی حفظ کرده و به حرکت نفت به سمت چاه‌ها کمک می‌کند. به همین دلیل مدیریت منابع گاز و اولویت‌بندی میان مصرف داخلی، صادرات و تزریق به مخازن نفتی یکی از مسائل مهم در سیاست‌گذاری انرژی کشور به شمار می‌رود.

خبر

دولت: روزانه یک لیتر مصرف بنزین را کاهش دهید

شرکت ملی پخش تأکید کرد اگر هر خانوار در کشور روزانه فقط یک لیتر مصرف بنزین خود را کاهش دهد، با در نظر گرفتن حدود ۲۰ میلیون خانوار، روزانه ۲۰ میلیون لیتر از مصرف بنزین صرفه‌جویی می‌شود. به گزارش مهر، کرامت ویس‌کرمی با اشاره به وضع مصرف بنزین در کشور، اظهار کرد: میانگین مصرف روزانه بنزین از ابتدای سال ۱۴۰۵ تاکنون حدود ۱۲۴ میلیون لیتر در روز بوده است که این رقم در مدت مشابه سال گذشته حدود ۱۲۸ میلیون لیتر در روز ثبت شده بود و نشان‌دهنده کاهش حدود سه‌درصدی مصرف بنزین است.

بر اساس اعلام وزارت نفت، او با اشاره به شرایط جنگی کشور در ماه‌های اخیر و تأثیر آن بر حوزه انرژی افزود: ضرورت دارد در سال ۱۴۰۵ توجه جدی‌تری به مدیریت مصرف سوخت شامل بنزین و سایر فراورده‌های نفتی ازجمله نفت‌گاز، نفت سفید، گاز مایع (ال‌پی‌جی) و حتی نفت کوره شود.

مدیرعامل شرکت ملی پخش فراورده‌های نفتی با تأکید بر اینکه مدیریت مصرف به‌معنای استفاده بهینه و متناسب با نیاز واقعی است، گفت: سوخت باید در بخش‌هایی که واقعا نیاز است استفاده شود و از مصرف غیرضروری جلوگیری شود. ویس‌کرمی درباره راهکارهای مدیریت مصرف بنزین اظهار داشت: یکی از مهم‌ترین راهکارها، استفاده بیشتر از حمل‌ونقل عمومی است. در کلان‌شهرها کاهش استفاده از خودروهای تک‌سرنشین و مدیریت تردد‌های درون‌شهری می‌تواند نقش مهمی در کاهش مصرف بنزین داشته باشد.

او با اشاره به نقش مردم در مدیریت مصرف سوخت گفت: اگر هر خانوار در کشور روزانه فقط یک لیتر مصرف بنزین خود را کاهش دهد، با در نظر گرفتن حدود ۲۰ میلیون خانوار، روزانه حدود ۲۰ میلیون لیتر از مصرف بنزین صرفه‌جویی می‌شود که عددی قابل توجه و اثرگذار است.

شرکت ملی نفت ایران
شرکت پایانه های نفتی ایران

آگهی فراخوان عمومی ارزیابی کیفی مناقصه گران (مناقصه شماره ۱۴۰۴/۱۷/AA)

به شماره سامانه ستاد ۲۰۰۵۰۹۱۶۴۵۰۰۰۰۱۲ تجدید مناقصه نوبت دوم

موضوع: خرید ۱۴۵ دستگاه چاپگر

شرکت پایانه‌های نفتی ایران (سهامی خاص) در نظر دارد انجام خدمات موضوع فوق را با در نظر گرفتن شرایط کلی مشروحه زیر و از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد)، به صورت فراخوان عمومی ارزیابی کیفی مناقصه گران واجد شرایط واگذار نماید:

الف) کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا تهیه فهرست مناقصه گران دارای صلاحیت، ارایه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس WWW.SETADIRAN.IR انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضاء الکترونیکی را جهت شرکت در فراخوان محقق سازند. خاطرنشان می سازد به موجب بخشنامه وزارت صمت، امکان ثبت نام بر خط رایگان در این سامانه جهت کلیه مناقصه گران فراهم می باشد.

شماره تماس سامانه ستاد در تهران جهت انجام مراحل عضویت در سامانه ۰۲۱۱۴۵۶ می باشد. اطلاعات تماس دفاتر ثبت نام در سایر استان ها، در سایت سامانه (WWW.SETADIRAN.IR) بخش "ثبت نام/ پروفایل تأمین کننده/ مناقصه گر" موجود است.

ب) شرح کالا : خرید ۱۴۵ دستگاه چاپگر مطابق با مشخصات اعلام شده و اسناد مناقصه به صورت دو مرحله ای

ج) محل و مدت زمان تامین کالا: زمان تامین کالا (از آغاز قرارداد تا تحویل کالا) ۶ ماه و محل تحویل کالا (تهران) می باشد.

د) برآورد مناقصه گزار: ۷۶٬۹۹۵٬۰۰۰٬۰۰۰ ریال (هفتاد و شش میلیارد و نهصد و نود و پنج میلیون ریال)

هـ) معیارهای ارزیابی کیفی مناقصه گران با لحاظ آخرین ویرایش ابلاغی طی تصویب نامه شماره ۹۳۸۷۲/ت ۵۷۸۶۰ مورخ ۱۴۰۰/۸/۲۴ هیأت محترم وزیران هیأت محترم وزیران به شرح جدول ذیل می باشد:

کلیه مناقصه گران مکلفند آگهی حاضر و جداول مرتبط با ارزیابی ساده که در سایت سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(ستاد) و سایت شرکت پایانه های نفتی ایران به نشانی WWW.IOTCO.IR موجود می باشد را از سایت سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(ستاد) دریافت و ضمن تکمیل، مهر و امضای آن ها (با در نظر گرفتن توضیحات بند ح آگهی حاضر) و الصاق مستندات مربوطه به همراه سایر اسناد و مدارک ذکر شده در این آگهی در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(ستاد) تغذیه نمایند.

۱ – توان مالی: ۳۰ امتیاز (حسب ماده ۲۵ آیین نامه اجرایی بند ج ماده ۱۲ قانون برگزاری مناقصات)	۴ – استانداردهای تولید: ۱۵ امتیاز
۲ – ارزیابی مشتریان قبلی و حسن شهرت: ۱۵ امتیاز (حسب ماده ۲۶ آیین نامه اجرایی بند ج ماده ۱۲ قانون برگزاری مناقصات)	۵ – داشتن تجربه و دانش در زمینه مورد نظر: ۱۵ امتیاز
۳ – تضمین کیفیت خدمات و محصولات: ۱۰ امتیاز	۶ – حسن سابقه: ۱۵ امتیاز

تذکر ۱: حداقل امتیاز کیفی قابل قبول برابر با ۶۰ می باشد.

تذکر۲: به منظور بررسی معیار تجربه جهت معادل سازی مبالغ قراردادی، با استفاده از نرخ تورم اعلامی از مراجع قانونی، مبالغ قراردادی به روزرسانی گردیده و ملاک سنجش قرار خواهد گرفت.

و) شرایط مناقصه گران متقاضی:

۱ – داشتن تجربه در انجام خدمات مورد نیاز، داشتن تجهیزات، امکانات، تخصص لازم، توانایی فنی و مالی انجام کار مطابق با استانداردهای رایج صنعت نفت.

۲ – توانایی ارایه **تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به مبلغ ۳/۸۴۹/۷۵۰/۰۰۰ ریال (سه میلیارد و هشتصد و چهل و نه میلیون و هفتصد و پنجاه هزار ریال)** حسب آیین نامه شماره ۱۲۳۴۰۲/ت ۵۰۶۵۹ هـ مورخ ۹۴/۰۹/۲۲ هیأت محترم وزیران و همچنین **تضمین انجام تعهدات در صورت برنده شدن به میزان ۱۰ درصد نرخ پیشنهادی برنده مناقصه**. در ضمن تضامین صادره می‌بایست مطابق فرمت‌های نمونه پیوست آیین‌نامه مذکور ارایه گردد؛ لذا این شرکت از پذیرش تضامینی که فاقد شرایط فوق باشد، معذور بوده و هیچ گونه مسئولیت و تعهدی در این خصوص نخواهد داشت. همچنین از هر صورت وضعیت مناقصه گر برنده، ده درصد تحت عنوان تضمین حسن انجام کار کسر می گردد.

۳ – داشتن سابقه کار مفید و مرتبط با خدمات مورد نظر

۴ – داشتن نیروهای متخصص در حوزه های فنی، اجرایی، برنامه ریزی، اداری، مدیریتی و همچنین تجهیزات مناسب مطابق با استانداردهای رایج در صنعت نفت.

۵ – دارا بودن شخصیت حقوقی

۶ – ارایه شناسه ملی حسب ماده ۱۶ آیین نامه اختصاص شناسه ملی به کلیه اشخاص حقوقی ایرانی

۷ – ارایه تصویر مصدق کد اقتصادی شرکت و کد ملی صاحبان مجاز امضاء

۸ – ارایه صورتهای مالی حسابرسی شده توسط سازمان حسابرسی یا اعضای جامعه حسابداران رسمی

۹ – دارا بودن گواهینامه با رتبه حداقل ۴ در رسته سخت افزار(رشته تولید و ارایه قطعات و ملزومات یا رسته تولید و ارایه رایانه های غیر **Main Frame**) از شورای عالی انفورماتیک کشور

۱۰ – دارابودن مجوز تأیید صلاحیت از سازمان حراست صنعت نفت یا دارا بودن گواهینامه (مجوز) مرکز افتا

۱۱ – دارابودن حداقل ۱۰ سال سابقه فعالیت در زمینه فروش ماشین های اداری یا تجهیزات سخت افزاری

ز) مدت اعتبار پیشنهاد: مدت اعتبار پیشنهاد مالی از تاریخ ارایه پیشنهاد به مدت **۹۰ روز** می باشد.

ح) زمان، مهلت و نشانی دریافت اسناد ارزیابی کیفی:

۱ – با عنایت به ابلاغیه شماره ۱/۱۴۰۹۳۵ مورخ ۱۳۹۹/۰۵/۱۱ دبیر محترم کارگروه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) و تأکید مؤکد بر الزام بکارگیری امضای الکترونیکی اسناد و جداول ارزیابی کیفی و پاکت های (ب) و (ج) و عدم پذیرش نسخ فیزیکی و اسناد فاقد امضای الکترونیکی (دارای مهرگرم)، کلیه مناقصه گران موظف می باشند تمامی اسنادو جداول ارزیابی کیفی و پاکت های (ب) و (ج) را با امضاء الکترونیکی به همراه کپی ضمانتنامه شرکت در فرآیند ارجاع کار، در موعد مقرر در اسناد مناقصه، از طریق سیستم سامانه ستاد بارگذاری نمایند. در غیر اینصورت مناقصه گزار از پذیرش نسخه فیزیکی اسناد پیش گفته (به جز اصل ضمانتنامه) معذور خواهد بود.

۲ – کلیه مناقصه گران واجد شرایط می توانند به مدت **۷ روز** از زمان درج آگهی نوبت دوم نسبت به دریافت اسناد و معیارها و جداول ارزیابی کیفی از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) اقدام و حداکثر ظرف مهلت **۱۴ روز** پس از انقضای مهلت دریافت اسناد، ضمن تکمیل، مهر و امضای آنها (با رعایت مفاد بند فوق) و الصاق مستندات مربوطه به همراه سایر اسناد، مدارک و گواهینامه های ذکر شده در آگهی، نسبت به تغذیه اسناد پیش گفته در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت اقدام نمایند. همچنین مناقصه گران می توانند جهت رؤیت آگهی به سایت‌های WWW.SHANA.IR، HTTP://IETS.MPORG.IR و WWW.IOTCO.IR مراجعه نمایند.

تذکر: مناقصه گزار در قبول یا رد مدارک مناقصه گران در تمام مراحل مطابق با قانون برگزاری مناقصات وآیین نامه های اجرایی آن مختار خواهد بود.

شناسه آگهی ۲۱۷۵۷۰۹ روابط عمومی